

تصمیم بزرگ

در سایه تهدید بزرگ‌تر



محسن هاشمی‌رفسنجانی

در بزنگاه‌های تاریخی، هر تأخیری در تصمیم‌گیری، خود یک تصمیم است و آن تصمیم به واگذاری صحنه تلقی می‌شود. امروز نظام جمهوری اسلامی ایران، در معرض یکی از پیچیده‌ترین موقعیت‌های راهبردی چهار دهه اخیر قرار دارد. مجموعه‌ای از فشارهای فزاینده بیرونی، تنگنای منابع داخلی و شکاف در اجماع نخبگان، وضعیت را به مرحله‌ای رسانده که متولیان امر قادر به تصمیم‌گیری قاطع نیستند یا دست‌کم با هزینه‌ای مواجه‌اند که تاکنون آماده پرداخت آن نبوده‌اند. ایران بارها در بزنگاه‌های دشوار تاریخی، راهی برای عبور گشوده است؛ نه با شناسن، بلکه با خرد جمعی، تجربه تلخ و اعتماد به ظرفیت‌های درونی خود. امروز نیز هرچند فضای تصمیم‌گیری آکنده از ابهام، تهدید و فشار است، اما هنوز فرصت هست؛ فرصت برای بازسازی وقاف، بازیابی انسجام ملی و انتخاب راهی که ادامه حیات و توسعه کشور و رفاه مردم را تضمین کند و درعین‌حال عزت و شان ملی را نیز پاس دارد. تجربه انقلاب، دفاع مقدس، قطع‌نامه ۵۹۸ و عبور از بحران‌های منطقه‌ای نشان داده است که ما اگر بخواهیم، می‌توانیم بار دیگر از این گردنه نیز بگذریم؛ مشروط به آنکه از گفت‌وگو، تدبیر و تصمیم نهراسیم. آنچه امروز در برابر ماست، نه یک جنگ کلاسیک، بلکه نوعی جنگ فرسایشی، لایه‌لایه و چندبعدی است. آمریکا و اسرائیل جنایت‌کار، با عبرت‌گیری از جنگ‌های گذشته، ازجمله جنگ ۳۳روزه با حزب‌الله، دیگر به دنبال ضربه نهایی نیستند، بلکه استراتژی آنها، محاصره چندجانبه ایران است؛ از لایه امنیتی و اطلاعاتی تا جنگ روانی، فشارهای اقتصادی غیرمستقیم، مهندسی اجتماعی و نهایتاً تحلیل‌بردن ظرفیت تصمیم‌سازی کشور از درون. در لایه امنیتی، با حملات محدود اما پی‌درپی، ایران را در وضعیت آماده‌باش دائمی قرار داده‌اند؛ در لایه اقتصادی، با تحریک کشورهای ثالث و بازی‌دادن مکانیسم‌های تحریم، هزینه اداره کشور را بالا برده‌اند؛ در سطح سیاسی، با تحریف واقعیت‌ها، تصمیمات راهبردی ایران را در افکار عمومی داخلی و خارجی زیر سؤال برده‌اند و مهم‌تر از همه، در لایه شناختی- رسانه‌ای، موفق شده‌اند تهدید اصلی یعنی پروژه اسرائیل بزرگ را از ذهن نخبگان و حتی بخشی از افکار عمومی ما دور کنند. در چنین شرایطی، هر راه‌حلی که اتخاذ شود، از منظر داخلی و بین‌المللی، با هزینه همراه است. ما در وضعیتی قرار داریم که نه می‌توانیم به عقب بازگردیم، نه چشم‌اندازی روشن در پیش‌رو داریم. این وضعیت بالاتکلیفی، بیش از همه، فضای تصمیم‌گیری را تحت فشار گذاشته است. امروز دو سناریوی اصلی پیش‌روی نظام است: نخست، پذیرش یک راه‌حل سیاسی که به معنای کنارگذاشتن بخشی از مؤلفه‌های قدرت است و دوم، حرکت به سمت کام نهایی یعنی ساخت سلاح هسته‌ای که با توجه به شرایط تکنیکی، زمان محدود و اشراف اطلاعاتی دشمن، احتمال موفقیت آن کم و پیامدهای آن پرهزینه است، راه‌حل بی‌بنیانی نیز ظاهراً از سوی طرف مقابل پذیرفته نمی‌شود. در این بین‌بست، طبیعی است است که نگاه‌ها به مسئولان نظام دوخته شود؛ آیا در این شرایط، مدل حضرت امام در سال ۶۷ برگزیده خواهد شد؟ پذیرش قطع‌نامه و کنارگذاشتن برخی خطوط قرمز، به منظور حفظ کلیت نظام؟ یا تصمیم بر آن خواهد شد که با وجود نامحتمل‌بودن پیروزی، مسیر دیگری انتخاب خواهد شد؟ پاسخ به این پرسش، یقیناً تنها در اختیار مسئولان است، اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد که در شرایطی چنین حساس، وجود یک «شخصیت واسط» که هم مورد وثوق رهبران کشور باشد و هم نزد نخبگان و جامعه بین‌المللی اعتبار داشته باشد، می‌تواند نقشی کلیدی در عبور از بحران ایفا کند. در ۱۳۶۷، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی چنین نقشی را ایفا کرد؛ بار تصمیم تلخ را بر دوش گرفت. او هزینه داد، اما کشور را از یک جنگ فرسایشی و بی‌نتیجه خارج کرد. امروز جای چنین شخصیت‌هایی خالی است. تعدادی با وجود تجربه امنیت ملی و دیپلماسی، متأسفانه با پروژه اعتبارزدایی سازمان‌یافته‌ای در داخل، از صحنه نقش‌آفرینی کنار گذاشته شده‌اند. در نتیجه، خلا مسئولیت‌پذیری استراتژیک به‌شدت احساس می‌شود. از سوی دیگر، اگر وضعیت جاری به همین شکل ادامه یابد و حمله ترکیبی دوم استکبار محقق شود که با توجه به شرایط داخلی ایران، آمادگی افکار عمومی اسرائیل، همراهی اروپا و انفصال همراهان جهانی ایران دور از ذهن به نظر نمی‌رسد، تجربه نشان داده که در لحظه بحران، دشمن صبر نمی‌کند تا ما تصمیم بگیریم. او فقط از بالاتکلیفی ما سود می‌برد.

شنبه ۴ مرداد ۱۴۰۴
۱ صفر ۱۴۴۷
۲۶ جولای ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۶۵
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

«شرق»

در «شرق» امروز می‌خوانید:
نسل جدید سیاست‌مداران اروپایی و مسئله فلسطین • از پژوهشگاه تا مدار؛ ماهواره‌ای که برای تثبیت ایران در مدار سیاست فضایی پرتاب شد • وقتی مسئولان درباره آب اشتباه کردند

بازگشت به میز گفت‌وگوهای هسته‌ای در سایه تهدید «ماشه» در استانبول

ایران و اروپا؛ بازی آخر

گزارش تیترویک‌را در صفحه ۲ بخوانید



تیترو گزارش را در صفحه۲ بخوانید.عکس: Gettyimages

فرانسه و شناسایی فلسطین

سرنوشت غزه در سایه ژست دیپلماتیک اروپا

بازی با گرسنگان

یادداشت

نبود تونل مشترک تأسیسات؛ عامل پنهان در بحران آب ایران



علی رضادقیقی

وکیل پایه‌یک دادگستری

چگونه تونل‌های مشترک به بحران آب مرتبط هستند؟
از مجموع ۳۲ درصد آب تلف‌شده:

- حدود ۱۵درصد به دلیل نشت واقعی در شبکه است؛ نشت‌هایی که در سیستم سنتی، یا دیر شناسایی می‌شوند یا دسترسی به آنها نیازمند حفاری گسترده است.
- با تونل‌های مشترک، دسترسی به لوله‌ها فوری و بدون تخریب سطحی امکان‌پذیر است.
- سیستم‌های پایش هوشمند در تونل، نشت را به‌لحظه شناسایی و به مرکز کنترل گزارش می‌دهند.

در نتیجه، حتی اگر تنها بخشی از این ائتلاف با مداخله سریع متوقف شود،

یادداشت

برسد به دست سیاست‌گذار(۳)



حسین ناصری

روان‌شناس پیشگیری

(جامعه‌شناس)، در پژوهش‌هایش به شکلی جامع به این مسئله پرداخته و به‌خوبی وضعیت بی‌عدالتی آموزشی را کالبدشکافی کرده است. آنچه روشن است این است که در کشور‌های نابرابر به شکلی سیستماتیک، انواع و اقسام آسیب‌های اجتماعی ایجاد می‌شود. مبتنی بر دیدگاه‌های تقلیل‌گرایانه، طراحی صرف برنامه بدون توجه به بخش اول پیشگیری یعنی سیاست‌گذاری، اثربخشی لازم را نخواهد داشت. مشخصاً رویکردهای آموزش‌محوری که مثلاً نسبت به دو مسئله طلاق و خودکشی در سیاست‌گذاری کنترل آسیب‌های اجتماعی شایع است، گواه همین مسئله است که رفع مسائل پیچیده و چندعاملی به مداخلات روان‌شناختی تقلیل یافته است؛ بماند که بسیاری از این نوع از برنامه‌ها نیز حتی به‌درستی طراحی، اجرا و ارزیابی نشده و با برگزاری کارگاه‌های به‌اصطلاح «تربیت مربی»، اجرای آنها به روان‌شناسان و مشاورانی داده می‌شود که تقریباً هیچ اطلاعات دانشگاهی از حوزه پیشگیری نداشته و تکنیسین‌وار مواردی را که در دوره‌های کوتاه‌مدت فراگرفته‌اند، به مردم منتقل می‌کنند. ضمن اینکه همان‌گونه که در بخش پیش این یادداشت مطرح شد، در حال حاضر بخشی از برنامه‌های پیشگیرانه، بدون پژوهش‌هایی که کارایی یا اثربخشی برنامه را مشخص کرده باشند، به اجرا درمی‌آیند. موضوع مهم دیگری که در سطح سیاست‌گذاری‌های پیشگیرانه مطرح می‌شود، نحوه اجرا و ارزیابی مصوبات پیشگیرانه است. بسیاری از مواقع به تلاش و زحمت متخصصان و کارشناسان، اسناد اجرایی قابل‌توجهی در این حوزه طراحی و برای اجرا ابلاغ می‌شوند؛ ولی اجرای فراگیری پیدا نمی‌کند. شوربخانه پس از گذشت مدت کوتاهی از اجرای یک سیاست یا قانون پیشگیرانه بنا به دلایل مختلف، اجرای آن به محاق رفته یا در کل به فراموشی سپرده می‌شوند.

پیام رهبر انقلاب به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان، سرداران و دانشمندان هسته‌ای

دشمنان ایران آهن سرد می‌کوبند
حرکت نظامی و علمی شتابنده‌تر
پیش خواهد رفت

۳

برگزیده‌ها

شاخص های آماری مختلف
از وضعیت شکننده تولید خبر می‌دهند

صنایع در مخمصه

۴

گزارش «شرق» از بهشت زهرا در جهلم قربانیان جنگ

داغ ۴۰روزه

۱۰

«شرق» وضعیت شکننده سیاسی اسرائیل پس از جنگ ۲۱روزه را واکاوی می‌کند

بی‌بی در آستانه سقوط؟

۳

مریم ایراندوست در گفت‌وگو با «شرق»:

فوتبال زنان را «زنده» نه حداقل «مرده» پخش کنید

۹

گفت‌وگوی «شرق» با فرهاد توحیدی، فیلم‌نامه‌نویس

راه خروج از بن‌بست سینما
حذف پروانه ساخت است

صفحه ۶



یادداشت

همیشه تقصیر

این ۶ درصد است



مهرداد احمدی‌شیخانی

در این ۴۰ سال گذشته مثل بسیاری از افراد دیگر که درباره وضعیت کشور اظهار نگرانی می‌کنند، من هم نگرانی‌هایم را بازگو کرده‌ام و از آنجا که امکان نوشتن و انتشار دغدغه‌هایم را داشته‌ام، این نگرانی‌ها را طی یادداشت‌هایم در مطبوعات منعکس کرده‌ام. اما آیا می‌توانم ادعا کنم که بیان این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها تأثیری بر روند امور داشته؟ این را نمی‌دانم اما می‌دانم که بازتاب‌هایی داشته، ولی گوش‌دادن را نمی‌دانم. یکی از این دغدغه‌ها که این روزها تقریباً دغدغه همگانی است، نگرانی بابت کمبود آب است؛ کمبودی که همه کشور را تهدید می‌کند و حالا گریبان پایتخت را هم فرا گرفته، تا آنجا که از قطع گسترده آب در این بزرگ‌ترین شهر کشور سخن به میان می‌آید و اولین راه‌حلی که برای حداقل کاستن از این بحران فراگیر به ذهن می‌رسد، صرفه‌جویی است؛ همان چیزی که این روزها، بسیاری از متولیان امر بر آن تأکید دارند. همچنین آن چیزی که این روزها بسیار از آن گفته می‌شود، میزان مصرف آب شیرین‌کشور در بخش‌های مختلف است که طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، میزان برای بخش کشاورزی ۹۱ تا ۹۲ درصد، برای مصارف شرب شهری شش درصد و برای بخش صنعت حدود دو تا سه درصد است. به یاد دارم وقتی حدود ۲۰ سال پیش برای اولین بار در این زمینه یادداشتی نوشتم و پس از آن به تکرار در این حوزه قلم زدم و از آنجا که برای خودم مشخصه، این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، به منطقه سد گئوند (که در نوع خود یک فاجعه است) و پروژه‌های سدسازی در مسیر کارون سفر کردم تا به چشم ببینم که چه رخ داده، تقریباً نسبت مصرف در حوزه‌های کشاورزی، صنعت و مصارف شهری همین بوده. یعنی نه الان، بلکه از ۲۰ سال پیش هم مثلاً میزان مصرف در بخش کشاورزی حدود ۹۰ درصد و بالاتر بوده. حتی به یاد دارم از دوره دوم ریاست‌جمهوری مرحوم رفسنجانی که بحث «آب‌رسانی تحت فشار» برای مهار مشکل روزافزون کم‌آبی در کشور مطرح شد، درصدمصرف در هر یک از این سه بخش همین بود و همچنان همان است.

۹۳ ادامه‌در صفحه ۱۱

۹۳ ادامه‌در صفحه ۴
--